

## تدویر لویه جرگه "مشورتی" توسط دولت مزدور کرزی و امپریالیستهای اشغالگر ترفندی است برای اغوای توده های خلق افغانستان!

بتاریخ اول ماه می (2012) میلادی سند ننگین و اسارت آورزیرنام "اعلامیه همکاریهای استراتیک کابل- واشنگتن" توسط کرزی مزدور و او باما رئیس جمهور امپریالیسم امریکا در کابل به امضار رسید. لیکن در این معاهده اسارت آوردن باره ای موضوع تاسیس پایگاه های نظامی امپریالیسم امریکا در افغانستان در درازمدت و موضوع "مصئونیت قضائی" سربازان امریکائی در افغانستان ظاهراً توافقی حاصل نشد و بحث روی آن به بعد موکول گردید و کرزی شیدانه و عوامفریبانه مسئله "پایگاه های نظامی" و "مصئونیت قضائی" ارتش امریکا در افغانستان را بعد از (2014) به تصمیم "لویه جرگه" این نهاد قبیله ای فئودالی و ضد دموکراتیک موکول کرد. البته در این مورد از یک طرف چانه زنیهای در میان بود که کرزی می خواست برای حفظ قدرت دولتی در جناح خودش از بادر امریکائی اش تضمین های دریافت کند. و از جانب دیگر ظاهراً می خواست تا بار فشار مسئولیت از جمله این دومی مهم و حساس در این قرارداد ننگین را در برابر مردم افغانستان (که بیش از همه جنایات، کشتار و تجاوزات، توهین و تحقیر ارتشهای اشغالگر را با پوست و گوشت شان حس می کنند) و انتقادات رقبای سیاسی اش را کاهش دهد. همان بود که طبق روال گذشته آنها به "لویه جرگه" مشکل گشای طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور ارجاع داد. فراخواندن لویه جرگه و تصویب این "معاهده" ننگین باز هم به منظور اغوای خلق افغانستان صورت می گیرد. تا از این طریق سند اسارت و بردگی توده های افغانستان و تداوم اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیسم امریکا را بر کشور از طریق ترفند لویه جرگه "مشروعیت و قانونیت" بخشد. این لویه جرگه موضوعی را به تصویب خواهد رساند که هزاران تن از عساکر اشغالگر امریکائی و صدها و هزاران تن از عوامل سازمان "سیا" امریکا به روال دوازده سال گذشته در هر نوع جرم و جنایت، تجاوز و تعدی علیه خلق مظلوم افغانستان دست باز داشته و در برابر دستگاه های امنیتی و قضائی دولت مزدور پاسخگویی نخواهند بود. و تعیین نوع جرم و "محاکمه" آنها مربوط به دولت امریکا است. مسئله ایجاد پایگاه نظامی و "مصئونیت قضائی" ارتش اشغالگر در برابر جرایم و جنایات و اجحافات و ستم مظالم آنها علیه خلق مظلوم افغانستان مکمل قرارداد به مستعمره کشیدن رسمی کشور است که قدرت استعمارگر امریکا و دولت دست نشانده اش آنها زیر نام "سند همکاریهای استراتژیک" باصطلاح بین دو دولت می پوشانند.

طی چند قرن است که خلقهای افغانستان بوسیله ترفند "لویه جرگه" توسط طبقات حاکم ارتجاعی فئودال اغوا شده اند. لویه جرگه عنعنوی بیانگر روابط و مناسبات اجتماعی قبیله ای و طایفه ای در نظام فئودالی است. و در گذشته طبقات حاکم از این طریق رئیس دولت خود را نیز انتخاب می کردند. طی یک قرن اخیر طبقات حاکم ارتجاعی (دولتها) در شرایط و اوضاع مختلف لویه جرگه (مجلس کبیر) را در غیاب نمایندگان خلق افغانستان دایر کرده و آنها را منعیتهای عالی ترین مجمع تصمیم گیری ملی "و" مظهر اراده مردم" تبلیغ کرده اند. در حالیکه بنا بر ماهیت طبقاتی و ترکیب "لویه جرگه" حتی به شکل نمایشی هم از نمایندگان واقعی توده های خلق در آن راه نیافته و به این ترتیب کوچکترین واقعی به خواستها و آرای نمایندگان توده های مردم گذاشته نشده است. اکنون در قرن بیست و یکم امپریالیستهای اشغالگر و استعمارگرا اهداف و خواستههای غارتگرانه ای خود را توسط دولت دست نشانده ای شان از طریق همین لویه جرگه عنعنوی "قانونیت" می بخشند. و تماماً (2500) تن اعضای "لویه جرگه" کنونی نمایندگان گروه های ارتجاعی خاین، وطن فروش و جنایتکار هستند که از داخل و خارج دولت مزدور به نمایندگی از طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور در آن شرکت می کنند.

گرچه از نظر حقوقی و بنا بر قانون اساسی دولت مزدور که آنها مطابق به عرف و سنت تعریف کرده است و تصمیم لویه جرگه "مشورتی" ظاهراً الزام آور نیست و فاقد قانونیت و مشروعیت است؛ اما کرزی مزدور روز (25) عقرب در مصاحبه ای با خبرنگاران شیدانه چنین گفت: "من نمی توانم تصمیم

جرگه را ردکنم، جرئت آنرا ندارم، هر دیدی که مردم افغانستان پیش کرد به نمایندگی از ملت افغانستان است و ما احترام می گزاریم". کرزی این دلچک مزدورتدویر "لویه جرگه" را "مردم سالاری" خواند، او همچنین ابراز اطمینان کرد که "لویه جرگه بخیر مردم افغانستان تصمیم خواهد گرفت". کرزی گفت: "از طالبان و حزب اسلامی گلب الدین هم دعوت شده است که در این جرگه شرکت کنند و دید گاه های خود را در مورد قرارداد امنیتی با امریکا را بیان کنند". این سخنان کرزی از یک طرف ماهیت و خصلت اختلاف و تضاد بین دولت مزدور کرزی و امپریالیستهای اشغالگرو جناح دیگر از طبقات فئودال و کمپرادور (بقول آنها برادران آزرده خاطر ناراضی آنها) را بوضوح عیان می سازد و از جانب دیگر دروغگوئی و شیدادی دولت مزدور کرزی و امپریالیستهای اشغالگرو امریکائی و ناتورا که عوامفریبانه مدعی اند که باقی ماندن بخشی از ارتش اشغالگرو امریکا در افغانستان بخاطر جلوگیری از برگشت دوباره گروه های تروریستی (گروه طالبان، گلب الدین و حقانی و القاعده) به کمک دولت پاکستان است. ولی در اینجا از گروه های "متخاصم" شان دعوت می کنند که در این "جرگه" شرکت کرده و ابراز نظر نمایند. دیگر این شیدادها و دلچک بازیها شکل مفتضحانه ای بخود گرفته که ارتجاع مزدور و امپریالیستهای اشغالگرو به آن منهمک شده اند.

روز شنبه (16 نومبر) رنگین دادفرسپینتا مشاور امنیت ملی کرزی به همین رابطه گفت: " امریکا فقط پایگاه نظامی بگرام رامی خواهد و بخشی از میدان هوائی کابل در مرکز، مزار شریف در شمال، قندهار در جنوب، شیندند هرات در غرب، شورابک هلمند در جنوب غرب، گردیز در جنوب شرق و جلال آباد در شرق را استفاده خواهد کرد". همچنین رنگین سپینتا در جلسه "شورای ملی" خایانه و کودنانه باز هم به عوام فریبی متوسل شده و تاکید کرد که: "احترام به حق حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال افغانستان از مفاد این قرارداد است". و نیز او مفاد دیگر این قرارداد را "ادامه همکاری، تامین امنیت و ثبات و رشد پایدار اقتصادی" ذکر کرد. هم چنین او افزود که امریکا متعهد شده که سالانه (4.1) بلیون دلار برای نیروهای وزارت دفاع و داخله بر اساس تعهد کنفرانس شیکاگو کمک کند. و نیز "دفاع از مرزها و آب و خاک این سرزمین از دیگر مواد توافق شده میان امریکا و افغانستان در این قرارداد است. و در هرگونه تجاوز و تلاش برای براندازی حکومت مشروع کشور از خارج، امریکا همکاری می کند". رنگین سپینتا این وطن فروش خاین که منحیت نمایندنده با صلاحیت دولت مزدور هیئت مذاکره کننده را در این معامله وطن فروشانه با امپریالیسم امریکا رهبری می کند و داغ ننگ خیانت به خلق و میهن را در کنار دیگر وطن فروشان و خاینین ملی و قاتلین مردم افغانستان در جبین دارد، با کمال بی شرمی صحبت از "احترام به حق حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال افغانستان" توسط امپریالیسم اشغالگرو و استعمارگرو امریکا دارد! در حالیکه طی دوازده سال اخیر این سه رکن اساسی توسط امپریالیستهای اشغالگرو امریکائی و ناتوپایمال شده و از بین رفته است. باز هم سپینتا یی مزدور با شیدادی می خواهد بر چشم مردم افغانستان خاک بپاشد. و مدعی است که (این بزرگترین قدرت اشغالگرو استعمارگر که خاک کشور را به تسلط استعماری اش دارد و خلق کشور را به زنجیر بردگی کشیده است، استقلال کشور را سلب کرده است و دولت دست نشانده و مزدوری را بر خلق مظلوم و ستمدیده افغانستان تحمیل کرده است. توضیح بین قوسین از من است-؛) به "حق حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال کشور احترام می گزارد"! برآستی که مرتجعین بی شرم اند. در مورد دیگر صرف نظر از اراجیف و لاطایلات رنگین سپینتا خاین آیا در افغانستان تحت اشغال نظامی و مستعمره طی دوازده سال اخیر "امنیت، ثبات و رشد پایدار اقتصادی" و مسایل دیگر وجود داشته است؟ که هرگز نه! این ادعا از جمله چرندهای همه خاینین و وطن فروشان طی دوازده سال اخیر بوده است. آیا طی سالهای اخیر و همین اکنون افغانستان مورد حملات نظامی و تجاوز دولت پاکستان و مزدوران وی صورت نمی گیرد؟ و برای ماه ها خاک افغانستان مستقیماً مورد تجاوز نظامی و راکت باران ارتش دولت پاکستان قرار نگرفته است؟ آیا ارتشهای اشغالگرو از آن "به دفاع" برخاستند؟ که نه! و نمی توان از این قدرتهای غارتگر چنین توقعی داشت. ولی چیزی که در این قرارداد از جانب امپریالیسم امریکا و متحدین آن عملی خواهد شد؛ کمک به تقویت ارتش و پولیس و دستگاه جاسوسی دولت دست نشانده و دفاع از این دولت پوشالی در برابر جنبشهای آزادی خواهانه و جنبشهای انقلابی خلق افغانستان است. دیگر همه موارد از جمله مسایلی اند که یک قدرت

استعمارگر بر وفق منافع و استراتژی و اهداف غارتگرانه اش در افغانستان و منطقه برای دولت بر سر قدرت در کشور تحت سلطه استعماری اش انجام خواهد داد. در جهت حفظ قدرت طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور مزدور و تاملین سلطه استعماری اش عمل خواهد کرد. درین میان این مردم مظلوم و ستمدیده افغانستان هستند که مانند گذشته تحت سلطه استعماری امپریالیسم امریکا و ناتو ارتشهای خونخوار و وحشی آنها و حاکمیت دولت مستعمراتی قرار داشته و از ستم چند لایه طبقاتی و ملی خاصاً ستم ملی امپریالیستی رنج و عذاب خواهند کشید. امپریالیستهای خونخوار و غارتگر امریکائی و ناتو دوازده سال قبل زیر نام " مبارزه جهانی علیه تروریسم " در یک تهاجم نظامی کشور را به اشغال نظامی در آورده و به مستعمره کشیده و دولت مزدوری از گروه های ارتجاعی خاین و جنایتکار تشکیل داده اند که طی بیش از سه دهه شنیع ترین جنایات و تجاوزات را علیه خلق مظلوم انجام داده اند. بیش از ده سال است که امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدور آنها به کشتار خلق ما ادامه می دهند. و از طرف دیگر گروه های ارتجاعی طالبان و گلب الدین و حقانی بنام " جنگ علیه ارتشهای اشغالگر " توده های خلق را نیز و حشیانه آماج قرار داده و بقتل می رسانند. و در این جنگ ارتجاعی و خانمانسوزی بیشترین صدمه را خلق افغانستان متحمل شده است.

مردم افغانستان بخصوص روشنفکران مردمی و مترقی باید به این امر توجه جدی کنند که امضای پیمان ننگین " همکاریهای استراتژیک " بین دولت مزدور و قدرتهای امپریالیستی اشغالگر فصل جدیدی از اشغالگری نظامی و تسلط استعماری آنهاست بیش از این فریب تبلیغات گمراه کننده دولت مزدور و گروه های ارتجاعی و قدرتهای اشغالگر را نخورند. هم چنانکه طی دوازده سال امپریالیستهای اشغالگر جز کشتار و جنایت و مصیبت برای توده های خلق ما نیاورده اند؛ در آینده نیز وضعیت از این بدتر خواهد بود. قدرتهای امپریالیستی همین اکنون ده ها و صدها نهاد ارتجاعی و مزدور را بوجود آورده اند تا در جهت توجیه تسلط استعماری آنها مردم را نسبت به اوضاع کشور و سر نوشت سیاسی شان اغوا کنند؛ در ده سال آینده نیز این نهاد ها قدرتمند و گسترده تر شده و ده ها نهاد ارتجاعی و مزدور دیگر زیر پر نام " جامعه مدنی " ایجاد خواهند کرد تا ایده ها و افکار انقیاد و تسلیم طلبی را در بین توده های خلق نا آگاه خاصاً نسلهای جوان کشور ترویج و تبلیغ نمایند؛ ارتش و پولیس و پولیس مخفی نیرو مند تری را جهت سرکوب توده های خلق و جنبشهای انقلابی تربیت می کنند و در سلول سلول دولت دست نشانده از بالاتر پائین جواسیس و عوامل خود را بجا نموده و هزاران تن جاسوس و خبرچین دیگر را تربیت می کنند. امپریالیسم و استعمار ارتجاع پرور است، نه اینکه هرگز اقدامی در جهت رشد فرهنگ و افکار مترقی نمی کند که با ایجاد فضای ملوث از گند فرهنگ و ایدئولوژی استعماری و امپریالیستی و فرهنگ و ایدئولوژی فئودال کمپرادوری و حاکمیت ارتجاعی ترین و جانی ترین و ضد انسانی ترین نیروها سعی می کنند تا زمینه های رشد ایده ها و افکار و فرهنگ مترقی و انقلابی را هر چه بیشتر در جامعه محدود و خفه کنند.

مردم آزادی خواه افغانستان خاصاً روشنفکران مردمی باید بخود تکانی بدهند و بیش از این فریب تبلیغات نیروها و گروه های ارتجاعی رنگارنگ بومی و مطبوعات امپریالیستی در داخل و خارج کشور را نخورند. دیگر باید از اهداف و نقشه های خاینانه و غارتگرانه ای امپریالیستهای اشغالگر و دولت دست نشانده آنها و سایر گروه های ارتجاعی و مزدور و خادم امپریالیسم و ارتجاع تجربه و آگاهی حاصل کرده باشند. امپریالیستها نه واقعاً برای جنگ علیه تروریسم که در جهت گسترش منافع خودشان در افغانستان و منطقه آمده اند و برای پیشبرد همین اهداف باقی می مانند. جنگ آنها با طالبان و القاعده و گروه های دیگریک وسیله در جهت پیشبرد اهداف پلید امپریالیستی و استعماری آنها در افغانستان و منطقه است. همینکه دولت امریکا برای گروه طالبان دفتر سیاسی باز می کند و دولت کرزی هر روز به برادران " آزرده ورنجیده خاطر " اش ناسرمی دهد که بیاید و بخشی از مقامات دولتی در انتظار شماس است؛ این خود ماهیت اختلافات و تضاد بین این دسته بندیهای امپریالیستی و ارتجاعی را نشان می دهد. این خلق مظلوم افغانستان است که پایمال این جنگ تبهکارانه و غارتگرانه می شود. خلق ما باید به مسئله امضای " پیمان استراتژیک " ( بخوان معاهده ننگین اسارت آوروطن فروشانه) جداً توجه کنند. با امضای این معاهده ننگین تسلط استعماری امریکا بر افغانستان مستحکم ترمی شود و مفاهیم و عباراتی مانند استقلال و آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی بدتر از گذشته معنا و مفهوم واقعی ندارند.

و افغانستان رسماً حیثیت یکی از مناطق تحت سلطه و نفوذ امپریالیسم امریکا را خواهد داشت. وصحبت از این مقولات و عبارات متذکره فوق و موارد دیگری چون "آزادی ملی" و "حق تعیین سرنوشت بدست خود مردم" و مسایل دیگرمانند دوازده سال گذشته بیهوده گوئی های بیش نیستند. امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدورانها بنام "مترسک" طالبان و گلب الدین و القاعده شرایطی را در کشور بوجود آورده اند تا توده های مردم در بین انتخاب بدو بدتر به وضعیت استعماری فعلی و اشغال نظامی تن در دهند. همه حقه بازیه و خیمه شب بازیهای امپریالیستهای اشغالگر و کرسی خاین و مزدور به منظور فریب مردم افغانستان است تا در برابر امضای این بخش از سند اسارت آورو تنگین اعتراض و یا مقاومت نکنند. خلق ماباید در برابر توطئه های خاینانه و نیرنگ های شیدانه و ردیالانه امپریالیستها و ارتجاع مزدور خاصتاً دولت کرسی بی تفاوت نباشند. بیش از همه در این شرایط روشنفکران انقلابی مردمی و مترقی و آزادی خواه در داخل و خارج کشور وظیفه و رسالت دارند تا توده های خلق را از این توطئه های امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدور آگاه سازند و در جهت بوجود آوردن یک جنبش انقلابی مردمی و سازماندهی یک مقاومت و مبارزه توده ای همگانی بر ضد نیروهای اشغالگر و دولت مزدور مبارزه پیگیر نمایند. و راه نجات واقعی خلق افغانستان از اشغال نظامی و سلطه استعماری امپریالیستها و دولت دست نشانده مزدور و خاین و کلارهایی از سر نظام فئودال کمپرادوری و سلطه امپریالیسم مبارزه آزادیبخش ملی و مبارزه رهائیبخش انقلابی پرولتری است که توسط یک حزب واقعاً انقلابی پرولتری رهبری شود.

21 نومبر 2013

(پولاد)